

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

پس منظر و مشخصه اجندا‌های هویت طلبانه در کشور تلاش بمنظور استقرار پایگاه‌های نظامی امریکایی در آسیای میانه چگونگی تأمین مناسبات ثمر بخش با سایر کشورها

تشخیص واقعی دولت جدید در کشور ما به چه معنا می باشد
نامگذاری اهداف "طالب"ها در مجموعه افغانستان
رقیب‌های منطقی در یک قدمی همسویی
تمسخر بر شعور جمعی شهروندان کشور

کارکرد ایدئولوژی‌ها از نظر جامعه شناختی بمفهوم توجیه قدرت و ابزار فکری نرم در جهت کسب قدرت پنداشته می شود. ما بویژه در کشورهای اسلامی با دوگونه اجندا مواجه میباشیم: اجندا‌های کاملن دنیوی از قبیل ملی گرایی، ... مشکل اینگونه اجنداها این است که پیروان آن، بعضن ایدئولوژی‌های شان با باورها و عواطف بنیادی تر آنان، مثلن باورها و عواطف دینی شان هم‌آهنگ نمی باشند. از میان رفتن وفاداری این دسته بایدئولوژی‌های شان و یا آوردن تغییر در دیدگاه آنان تحت فشار واقعیت‌ها آسان است. نوع دوم ایدئولوژی که عمدتن برای خود توجیه دینی دارد، میان باورها و عواطف بنیادین وفاداران آن و ایدئولوژی سیاسی شان تفاوت دیده نمی شود و اگر باشد، بسیار ضعیف است. لذا بهمان پیمانانه از میان رفتن وفاداری به ایدئولوژی و یا تغییر آن مشکل بنظر می رسد. در دو حالت ممکن است این وفاداری تغییر نماید. اول شکست سنگین در میدان جنگ و مواجهه شدید و عریان واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی با باورهای آنان، در اینصورت آمدن تغییر در وفاداری آنان با اجندا‌های مورد نظر در کوتاه مدت ممکن است و دوم اینکه بتدریج تحت تأثیر جاذبه‌های زندگی، واقعیت‌ها، تأمین نشدن منافع آنان، ناکارآمد بودن برنامه و افزایش معلو مات، وفاداری شان به برنامه تغییر نماید. تغییر از نوع دوم البته که زمان می برد در کوتاه مدت بدست نمیآید. بعضن پس از تحمیل خسارات هنگفت و تحمل زمان طولانی در ایدئولوژی و برنامه‌های مجاهدین قدیم نیز تغییر بوجود آمد.

نیشته حاضر با این پرسش آغاز می‌نماییم که ایالات متحده در امتداد دوده ده موجودیت نظامیانش در کشور ما در پی دستیابی به چه اهدافی اینهمه قربانی را متحمل گردیده و میلیاردها دالر را در جنگ علیه تروریسم (!) هزینه نمود؟ نظامیان کشور اخیرالذکر، در آغازین ماه‌های سده ۲۱، پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، گویا بمنظور تعقیب بن لادن و مبارزه علیه "القاعده" باراضی کشور ما از زمین و هوأ هجوم آوردند. اما پس از دستیابی با اهداف یادشده، امریکایی‌ها تصمیم گرفتند تا در اراضی کشور ما گویا بمنظور دموکراتیزه کردن افغانستان (!)، ماندگار شده و در کشور ما یک دولت تمام عیار سکولار را پایه گذاری نمایند. با این حال، پس از مدت زمانی، آن آزادیخواهان وارد شده به کشور ما، باشغالگران مبدل شده و به بذرارزش‌های خودشان و بالقاح فرهنگ بیگانه به شهروندان کشور ما مبادرت ورزیده و در امتداد سال‌های پسین به تجارت شان سرو سامان بخشیدند. از این واقعیت نباید چشم پوشی بعمل آید که واقعیت‌های گفته آمده بگونه کلی با فرا خواندن قسمی نظامیان آنکشور از سرزمین و اراضی افغانستان غیر مرتبط نمی باشد. اصل عقب نشینی بیشترین بخش نظامیان ایالات متحده از اراضی کشور ما در نتیجه حملات پی اندر پی جنگجویان مسلح، بویژه در امتداد زمامداری بارک اوباما و دونالد ترامپ در کاخ سپید، مطرح گردید. اما نباید فراموش نمود که در

وضعیت یادشده، فراخواندن نظامیان ایالات متحده از کشور ما، بویژه از رهگذر هزینه های مالی و کاهش تلفات نظامیان یادشده، بنفع ایالات متحده محسوب گردید. جو بایدن در جریان سخنرانی اش در مورد اشغال کشور ما یادآور شد که هدف از چنین تهاجمی بر افغانستان بمنظور ارائه کمک و معاونت به شهروندان افغانستان و به هدف ایجاد و تشکیل حاکمیت نوین که قادر به پایداری و مقاومت در برابر تروریست ها باشد، نبوده و امریکایی ها مجبور و مکلف نیستند تا در جنگ های بیگانه شرکت ورزیده و در نتیجه کشته شوند.

در مورد اینکه چگونه "طالب" ها بسادگی قادر به کسب قدرت در کشور شدند، از تأثیرگذاری مستقیم و بلاواسطه فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی کشور ما نباید چشم پوشی بعمل آید. با این حال، پیش نیازهای وضعیت اینچنینی، متعدد و گوناگون بوده و اما قبل از آن، چنین امری با ارزش های امریکایی موافق نبوده و بر فروپاشی قوت های مسلح کشور ما و غیر مؤثریت سیستم سیاسی در کابل نیز تأثیرگذار بود. در امتداد زمانی ۲۰ سال، دولت مرکزی کشور، از مؤثریت شایسته و بایسته ای برخوردار نبوده و از موجودیت نهادهای مستقل سیاسی و اقتصادی اصلن خبری نبود. اقتصاد کشور همچنان ناتوان و مستقل از سیستم اقتصادی جهان باقی ماند. بسیاری ها هم چنین می پندارند که قبل از حاکم گردیدن "طالب" ها بر سر نوشت کشور، حاکمیت مدنی در افغانستان موجود بوده و اما در بسیاری جهات از فقدان و نبودهای لازمی نیز رنج می برد. قوت های مسلح کشور ما کایجاد آنها از صفر آغاز کردند، از جانب آموزگاران خارجی، آموزش های لازمی را فرا گرفته و با موجودیت طرز دید و نگاه واحد ملی در مجموعه قوت های مسلح کشور، صفوف آن بیش از پیش تقویه گردید. اما در کنار این همه، قوت های مسلح کشور، بمثابة یک گل، وابسته به ساختار قبیلوی در کشور باقی ماندند که با استفاده از چنین نقطه ضعف، "طالب" ها بیش از پیش نفع بردند، بویژه زمانی که موسپیدان قومی قبایل مختلف بروابستگان شان بویژه بر قوت های مسلح کشور فشار آوردند تا از مبارزه و تداوم نبرد مسلحانه ابا ورزند. بر همین بنیاد ما شاهد تسلیمدهی گارنیزیون ها، شهرها و در نهایت، تسلیم و واگذاری سایر قوت های نظامی به "طالب" ها بودیم. علاوه بر آن، با وجود اثرگذاری و مؤثریت مالی و اقتصادی ایالات متحده در کشور ما، اما جامعه مدنی نیرومند و سازه های پشتیبانی ثابتهی نیز شکل نگرفت تا بتوان بر علیه فساد و سوءاستفاده های موجود مبارزه نمود. استفاده و بکارگیری مؤثر از وسایل موجود صوت نگرفته و انجام عملی برنامه ها و ایجاد زیرساخت ها اصلن از قوه بفعال مبدل نگردید. در امتداد ۲۰ سال، سیستم سیاسی ساخته شده توسط ایالات متحده در کشور ما، بگونه کلی، ناکار آمدی اش را عملن باثبات رسانید. اما بسیاری ها این پرسش را مطرح می نمایند که اصل بقدرت رسیدن "طالب" ها در کشور به چه مفهومی تلقی می گردد؟

در پاسخ باید یادآور شد عده بیشماری معتقدند که اعلام سیستم سیاسی اسلامی آنها در قالب "امارت اسلامی افغانستان"، بمفهوم رجعت به نوع حاکمیت سال ۱۹۹۶ "طالب" ها در کشور، پنداشته می شود. ممکن در بسا از عرصه ها همانطور که "طالب" ها در قبایل برسمیت شناختن آنها، به جامعه بین المللی قول داده بودند تا در برخی موارد اغماض اندکی بعمل آورده و از شدت عمل در مواردی همچون سال های حاکمیت قبلی آنها در کشور، از جمله به تعقیب اقلیت های قومی و مبارزه علیه شهروندان اهل تشیع کشور متوسل نگردند. اما قابل یاددانهی پنداشته می شود که "طالب" ها در امتداد سال های نخست حاکمیت قبلی شان بر کشور، آثار تمدنی، از جمله تندیس های بودا در ولایت پاستناتی بامیان را با خاک یکسان نموده، از اپارات دولتی بمثابة آله فشار علیه همه آنانی که بگفته خودشان با آنها موافق نبودند، کار گرفتند که با اقدامات اینچنینی، عدم رضایت شهروندان کشور را بیار آورده و مخالفت های آنان را بجان خریدند، تا اینکه در اوایل سال ۲۰۰۱ سرنگون شدند.

در شرایط و وضعیت کنونی، "طالب" ها با احتمال اغلب به تنهایی حکومت ننموده، بلکه ممکن با سایر احزاب و دسته بندی های کوچک اسلامی، نماینده های نخبگان محلی، اقلیت های قومی، ظاهرن به تشکیل حکومت فراگیری که به غرب و عده داده اند، مبادرت ورزند.

اما در مورد وجوه اشتراک و وجوه افتراق "طالب" ها با "داعش" باید افزود که "دولت اسلامی" و "طالب" ها در نوع خود بویژه از رهگذر نوع ساختار و طرز دید، بمثابة دسته بندی های جداگانه پنداشته شده و درگیری های خونینی میان آنها نیز بوقوع می پیوندد. بر بنیاد طرز دید "طالب" ها، "داعش" بمثابة گروه بنیادگرای متعصب محسوب می گردد. از همین رو، زمانی که در امتداد سال های ۲۰۱۴ - ۲۰۱۶، جنگجویان "دولت

اسلامی"، در صدد استحکام مواضعشان در اراضی متعلق به کشور ما گردیدند، اما "طالب"ها به قلع و قمع آنها مبادرت ورزیدند. مناسبات و نوع نگاه خصمات آنها نسبت بهمدیگر تا همین اکنون همچنان ادامه دارد. برخلاف "دولت اسلامی"، "طالب"ها در پی ایجاد وپایه گذاری خلافت جهانی اسلامی نمی باشند. "طالب"ها را میتوان بمثابة حرکت ملی - مذهبی محسوب نمود. آنها در مورد اهداف شان، صرف در محدوده افغانستان اندیشیده و تاکنون بانجام هیچگونه اقدام مسلحانه و یا انتقامجویانه ای بهدف و آرزومندی نایل گردیدن به مأمول مورد نظر در بیرون از مرزهای کشور متوسل نگردیده اند. در تمایز با "داعش" که هدف آنها برپایی خلافت در تمامی سرزمین های مسلمان نشین تشکیل میدهد، اما "طالب"ها در صدد تحکیم حاکمیت شان صرف در افغانستان میباشند. تبلیغات "طالب"ها بر بنیاد این واقعیت بسیار ساده استوار می باشد (طالب"ها)، در برگیرنده مسلمانان افغان بوده که رسالت تداوم جهاد علیه اشغالگران خارجی را بر عهده دارند. چنین موقف و اظهار نظری در ظاهر امر برای همه واضح و مبرهن بود. بهمین علت، اداره پیشین نمی توانست بر بنیاد تفکر عقلانی و موثری علیه آنها موضعگیری نماید.

در این مورد قابل یاددهانی پنداشته می شود زمانی که "طالب"ها کارزار نظامی را آغاز نمودند، شهروندان کشور از بازگشت حاکمیت افراطی و آغاز درگیری های داخلی میان گروه های مختلف قومی در هراس بسر می برند. از ماه می سال روان بدینسو، به مجرد اینکه ایالات متحده از فراخواندن نظامیان آن کشور از اراضی کشور ما خبر داد، بتعداد ۳۳۰ هزار تن از شهروندان کشور مهاجر شده و همه روزه بویژه از طریق کشورهای همجوار افغانستان، هزاران تن از کشور فرار نمودند. هراس انتقامگیری از آن عده افغان هایی که با خارجی ها و بویژه با امریکایی همکاری مینمودند، بیش از پیش افزایش یافت. حتا قبل از نایل گردیدن "طالب"ها به قدرت، بر بنیاد اطلاعات موثق، عده ای از زندگی ساقط گردیدند. اما بایست یادآور گردید که در کشور ما، زنان بمثابة آسیب پذیرترین قشر موجود در کشور، بیشتر از دیگران در معرض تهدید و ارباب قرار داده شدند. بر بنیاد اظهارات فعالان حقوق زنان، در وضعیت کنونی، زنان از حق کار محروم گردیده و حتا از ارتباط با مردان و خویشاوندان غیر خونی ممنوع قرار داده شده و ضمن وارد شدن به مکان ها و محلات عمومی بایست یا حجاب بسر داشته و یا سر تا پای شان را باید بپوشانند. در صورت مراعات نمودن مقررات موجود، با مجازات شدیدی، از جمله با شلاق زدن در ملای عام، حبس و یا حتا با خطر اعدام مواجه می باشند.

با تصرف قدرت توسط "طالب"ها در کشور، نه تنها با ایجاد فضای ترس بر مخالفان ایدئولوژیک خویش بسنده کردند، بلکه فضای هراس و ارباب را بر سراسر کشور گسترش دادند. در افغانستان، عملن برای "طالب"ها دشمن و رقیب بالفعلی اگر موجود باشد، همانا عوامل و موارد موجودیت و تجدید قوای "داعش" می باشد که از همین اکنون به "طالب"ها چنگ و دندان نشان می دهد. مقامات جدید تا هنوز تصمیم نگرفته اند که با ستیزه جویان باقیمانده به چه نحوه ای برخورد نمایند. چه، مسأله رفع بیکاری و تأمین معیشت آنها که در امتداد سال های سال مصروف و درگیر فعالیت های مسلحانه بودند، کار سهل و آسانی نخواهد بود.

همین اکنون، در برخی از نواحی مربوط بولایت کابل، فرماندهان پیشین نیز عرض وجود نموده و هر کدام آنها خود را بگونه مستقلانه، عمده و مهم می پندارند. باتمركز اینچنین وضعیت و موجودیت افراد خسته و درمانده برگشته از میدان های درگیری های مسلحانه، از یکجانب و از جانب دیگر، مقابله با وضعیت یادشده، اندکی دشوار بنظر می رسد.

بایست متذکر گردید که با وجود وعده های مکرر "طالب"ها، پرسشی باین شرح مطرح میگردد که "طالب"ها کشور را به کجا خواهند برد؟

قابل یادآوری پنداشته می شود که وضعیت کنونی میهن عزیز ما را متأسفانه می توان به خانه مخروبه ای تشبیه نمود که در آن شهروندان نیمه گرسنه و بدون پول، اما با نگهبانان سرتاپا مسلح حیات بسر می برند. رهبری "طالب"ها که در شرایط کنونی در رأس قدرت در کشور قرار دارند، اعلام نمودند که در کمیت باشند ه های کابل افزایش بعمل آمده و آنها در صدد تأدیه گندم بمثابة معاش برای آنها می باشند. همچنان مقامات جدید قول داده اند تا ابتکار عمل را در سراسر امارت اسلامی گسترش بخشند.

یکشنبه ۹ ماه عقرب سال ۱۴۰۰ خورشیدی